



# قرارگاهی با یکصد جهادگر برای خدمت به محرومان



وقتی به حضور و خدمات رسانی‌های بسیجیان و جهادگران نگاهی می‌اندازیم، می‌بینیم سال‌هاست بی‌هیچ منت و چشم‌داشتی در خدمت جامعه و به خصوص مناطق محروم و کم‌برخوردار هستند. آنها در یک دهه اخیر دست به اقداماتی زده‌اند که اگر توسط سازمان‌ها و نهادهای دیگر انجام می‌شد، هزار باره در بوق و کرنا می‌کردند. حضور در

اگر قرار است از میزان تأثیرگذاری گروه‌های جهادی در مناطق محروم آگاه شویم، باید گفت این جوانان بسیجی که با تخصص‌های گوناگون گرد هم آمده‌اند، تنها به فکر رفع نیاز هموطنانی هستند که دچار مشکلات گوناگونی بوده و در رفع آنها در مانده شده‌اند. در گلستان هم مانند تمام استان‌های دیگر، فعالیت گروه‌های جهادی در زمینه‌های مختلف همچنان ادامه دارد و حتی با شیوع و همه‌گیری کرونا، جهادگران دست از کار نکشیدند و با تعریف برنامه و طرح‌های جدید سعی کرده‌اند در کنار اقداماتشان مسائل بهداشتی و سلامتی هموطنان را هم مدنظر داشته باشند. اجرای طرح بزرگ شهید سلیمانی یکی از این موارد است که مانند دوران دفاع مقدس، جهادی و عظیم و عملیاتی مهم به شمار می‌آید و نتایج آن چیزی جز سلامت و آرامش تمام شهروندان نیست.

**قرارگاهی برای برنامهریزی‌ها**

در حال حاضر در اکثر استان‌های کشور قرارگاه‌هایی وجود دارد

که طی سال‌های اخیر و به خصوص در دوران کرونا برنامهریزی و ویژه‌ای را در دستور کار خود داشته‌اند. سیداحسان نظری، دانشجویی که در رشته کارشناسی بهداشت محیط مشغول تحصیل است، هم‌زمان مسئولیت گروه جهادی و قرارگاه شهید فکوری را هم بر عهده دارد. از تابستان سال ۱۳۹۸ مسئولیت گروه را بر عهده گرفته است. این جهادگر با اشاره به اقداماتی که در دوران نوجوانی داشته و بعد از آن با هدف و انگیزه‌های دیگر به جمع بسیجیان پیوسته است، می‌گوید: «باید به جمله‌ریزی سید شهیدان اهل قلم، سیدمیر تقی آوینی اشاره کنم که می‌گوید کارتان را برای رضای خدا کنید، بلکه برای خدا کار کنید و تفاوتش هم در این است که امام حسین (ع) در کربلا باشد و تو مشغول تحصیل علم!» این جوان دانشجو ادامه می‌دهد: «مجموع افرادی که در بخش‌های مختلف در کنار هم جمع شده‌اند و در عرصه‌های گوناگون خدمات‌رسانی می‌کنند حدود ۱۰۰ نفر متشکل از

ویران و برادران می‌شود. فعالیت‌های ما بیشتر در زمینه فرهنگی، بهداشت و درمان، سازندگی، آموزشی و خیریه تعریف شده است که برای هر کدام از اینها دوستان متخصص وارد میدان می‌شوند.»

**ورود مردم به میدان، کمک به جهادگران**

باینکه جهادگران برای انجام امور و رفع مشکلات نیازمندان به مناطق کم‌برخوردار غزمت می‌کنند اما حضور مردم و همراهی آنها این جهادگران دلگرمی خاصی به وجود می‌آورد و خستگی را از تن این جوانان می‌زداید.

گروه جهادی شهید یارقلی که منطقه فعالیتش بیشتر در سطح شهرستان‌های زنجان است، با وقوع اتفاقات ناگوار و غیرمترقبه در استان‌های دیگر از جمله زلزله کرمانشاه یا سیل لرستان و مازندران نیز به این مناطق اعزام شده است تا هر خدمتی که می‌تواند ارائه کند.

سجاد ملک‌محمدی یکی از جهادگران این گروه است که با اشاره به اقداماتشان در طول سال می‌گوید: «اگر بخوام به صورت

مجموع افرادی که در بخش‌های مختلف در کنار هم جمع شده‌اند و در عرصه‌های گوناگون خدمات‌رسانی می‌کنند حدود ۱۰۰ نفر متشکل از

ویران و برادران می‌شود. فعالیت‌های ما بیشتر در زمینه فرهنگی، بهداشت و درمان، سازندگی، آموزشی و خیریه تعریف شده است که برای هر کدام از اینها دوستان متخصص وارد میدان می‌شوند.»

**ورود مردم به میدان، کمک به جهادگران**

باینکه جهادگران برای انجام امور و رفع مشکلات نیازمندان به مناطق کم‌برخوردار غزمت می‌کنند اما حضور مردم و همراهی آنها این جهادگران دلگرمی خاصی به وجود می‌آورد و خستگی را از تن این جوانان می‌زداید.

گروه جهادی شهید یارقلی که منطقه فعالیتش بیشتر در سطح شهرستان‌های زنجان است، با وقوع اتفاقات ناگوار و غیرمترقبه در استان‌های دیگر از جمله زلزله کرمانشاه یا سیل لرستان و مازندران نیز به این مناطق اعزام شده است تا هر خدمتی که می‌تواند ارائه کند.

سجاد ملک‌محمدی یکی از جهادگران این گروه است که با اشاره به اقداماتشان در طول سال می‌گوید: «اگر بخوام به صورت



## گفت‌وگو با جهادگر طلبه‌ای که روستایش را آباد کرد

### جلوگیری از مهاجرت هدف اصلی من است

در روستای «خوینس» از توابع شادگان در استان خوزستان، طلبه‌ای زندگی می‌کند که در کنار امور دینی و تبلیغی، به فکر ایجاد اشتغال برای جوانان افتاده است و با کمک قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه، به رفع مشکلات روستایش می‌پردازد. حجت‌الاسلام والمسلمین حمزه سلامی توانسته است کاری کند جوانان و همشهریان‌شان فکر مهاجرت را از سرشان خارج کنند و روی زمین‌های پدیری مشغول فعالیت شوند. به گفته خودش، تبلیغ باید به روز باشد و از امور مطلع شود تا بهتر بتواند به سوی پیشرفت و آبادانی حرکت کند، به همین دلیل تفکر مثبت و دیدگاه در ستنش نه فقط باعث دگرگونی خودش شده بلکه با ایجاد اتحاد و همدلی میان روستاییان، ارتقای زندگی آنها را به همراه داشته است.

فکر را علمی کنند و مشغول کار در زمینه کشاورزی شوند. با مساعدت بنیاد علوی نزدیک ۴۰۰ تن مسمرا که توت و خرما بودند، میان نیازمندان توزیع کردم تا کشاورزی در روستا رونق یابد. همچنین کود شیمیایی برای زمین‌های کشاورزی روستا را با همکاری این نهاد توزیع کردم. جالب است حدود ۱۰ سال تمام کارهایم را داوطلبانه انجام می‌دادم و بعد از آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان امام جماعت به روستای مان معرفی شدم. الان متأهلم و پدر چهار فرزند هستم.

**چطور رشد تصمیم گرفتید در روستا به فعالیت بپردازید؟**

پس از بازگشت به «خوینس» و دیدن این همه محرومیت در روستا، احساس تکلیف کردم و علاوه بر امور دینی و تبلیغی، وارد حوزه‌های دیگری مثل اشتغال شدم، زیرا اعتقاد دارم «کار» اولین نیاز مردم است و باید در این زمینه کارهای بزرگی صورت گیرد. با این تفکر، فراتر از کارم پیش رفتم و با قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه برای آبادانی روستا همکاری‌هایی را آغاز کردم، سپس با ورود بنیاد علوی به شهرستان شادگان، به عنوان سفیر در منطقه معرفی شدم و در نهایت با همکاری بنیاد علوی کارها گسترده‌تر بشود.

**شما در زمینه اشتغال‌زایی برای جوانان وارد میدان شده‌اید، چه طرحی برای عملیاتی کردن ایده‌هایتان داشتید؟**

وقتی دیدم بیشتر جوانان به خاطر بیکاری به شهرها مهاجرت می‌کنند، به این فکر افتادم. مهم‌ترین دغدغه این بود که چرا جوانان در زمینه کشاورزی ورود نمی‌کنند و چه مواعی برای مشغول شدن جوانان به صنعت کشاورزی وجود دارد. در زمینه کشاورزی به ویژه در کاشت نخل، رسم بر این است که هر کس باید ملکی برای کشاورزی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جوانان ملکی ندارند، با پدران‌شان صحبت کردم تا در زمان قید حیات‌شان املاک‌شان را میان فرزندان‌شان تقسیم کنند تا جوانان با خیال راحت شاغل شوند. خانواده خودم شروع کردم و پس از صحبت با پدرم، دو هکتار زمین گرفتیم و کشت درخت خرما را آغاز کردم.

**ایده شما مورد توجه و استقبال قرار گرفت؟**

بله. این کار مورد پسند جوانان و بزرگان روستا قرار گرفت و خوش‌شان آمد و باعث شد تا ۱۰-۱۵ جوان روستایی این

فکر را علمی کنند و مشغول کار در زمینه کشاورزی شوند. با مساعدت بنیاد علوی نزدیک ۴۰۰ تن مسمرا که توت و خرما بودند، میان نیازمندان توزیع کردم تا کشاورزی در روستا رونق یابد. همچنین کود شیمیایی برای زمین‌های کشاورزی روستا را با همکاری این نهاد توزیع کردم. جالب است حدود ۱۰ سال تمام کارهایم را داوطلبانه انجام می‌دادم و بعد از آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان امام جماعت به روستای مان معرفی شدم. الان متأهلم و پدر چهار فرزند هستم.

**چطور رشد تصمیم گرفتید در روستا به فعالیت بپردازید؟**

پس از بازگشت به «خوینس» و دیدن این همه محرومیت در روستا، احساس تکلیف کردم و علاوه بر امور دینی و تبلیغی، وارد حوزه‌های دیگری مثل اشتغال شدم، زیرا اعتقاد دارم «کار» اولین نیاز مردم است و باید در این زمینه کارهای بزرگی صورت گیرد. با این تفکر، فراتر از کارم پیش رفتم و با قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه برای آبادانی روستا همکاری‌هایی را آغاز کردم، سپس با ورود بنیاد علوی به شهرستان شادگان، به عنوان سفیر در منطقه معرفی شدم و در نهایت با همکاری بنیاد علوی کارها گسترده‌تر بشود.

**شما در زمینه اشتغال‌زایی برای جوانان وارد میدان شده‌اید، چه طرحی برای عملیاتی کردن ایده‌هایتان داشتید؟**

وقتی دیدم بیشتر جوانان به خاطر بیکاری به شهرها مهاجرت می‌کنند، به این فکر افتادم. مهم‌ترین دغدغه این بود که چرا جوانان در زمینه کشاورزی ورود نمی‌کنند و چه مواعی برای مشغول شدن جوانان به صنعت کشاورزی وجود دارد. در زمینه کشاورزی به ویژه در کاشت نخل، رسم بر این است که هر کس باید ملکی برای کشاورزی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جوانان ملکی ندارند، با پدران‌شان صحبت کردم تا در زمان قید حیات‌شان املاک‌شان را میان فرزندان‌شان تقسیم کنند تا جوانان با خیال راحت شاغل شوند. خانواده خودم شروع کردم و پس از صحبت با پدرم، دو هکتار زمین گرفتیم و کشت درخت خرما را آغاز کردم.

**ایده شما مورد توجه و استقبال قرار گرفت؟**

بله. این کار مورد پسند جوانان و بزرگان روستا قرار گرفت و خوش‌شان آمد و باعث شد تا ۱۰-۱۵ جوان روستایی این

فکر را علمی کنند و مشغول کار در زمینه کشاورزی شوند. با مساعدت بنیاد علوی نزدیک ۴۰۰ تن مسمرا که توت و خرما بودند، میان نیازمندان توزیع کردم تا کشاورزی در روستا رونق یابد. همچنین کود شیمیایی برای زمین‌های کشاورزی روستا را با همکاری این نهاد توزیع کردم. جالب است حدود ۱۰ سال تمام کارهایم را داوطلبانه انجام می‌دادم و بعد از آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان امام جماعت به روستای مان معرفی شدم. الان متأهلم و پدر چهار فرزند هستم.

**چطور رشد تصمیم گرفتید در روستا به فعالیت بپردازید؟**

پس از بازگشت به «خوینس» و دیدن این همه محرومیت در روستا، احساس تکلیف کردم و علاوه بر امور دینی و تبلیغی، وارد حوزه‌های دیگری مثل اشتغال شدم، زیرا اعتقاد دارم «کار» اولین نیاز مردم است و باید در این زمینه کارهای بزرگی صورت گیرد. با این تفکر، فراتر از کارم پیش رفتم و با قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه برای آبادانی روستا همکاری‌هایی را آغاز کردم، سپس با ورود بنیاد علوی به شهرستان شادگان، به عنوان سفیر در منطقه معرفی شدم و در نهایت با همکاری بنیاد علوی کارها گسترده‌تر بشود.

**شما در زمینه اشتغال‌زایی برای جوانان وارد میدان شده‌اید، چه طرحی برای عملیاتی کردن ایده‌هایتان داشتید؟**

وقتی دیدم بیشتر جوانان به خاطر بیکاری به شهرها مهاجرت می‌کنند، به این فکر افتادم. مهم‌ترین دغدغه این بود که چرا جوانان در زمینه کشاورزی ورود نمی‌کنند و چه مواعی برای مشغول شدن جوانان به صنعت کشاورزی وجود دارد. در زمینه کشاورزی به ویژه در کاشت نخل، رسم بر این است که هر کس باید ملکی برای کشاورزی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جوانان ملکی ندارند، با پدران‌شان صحبت کردم تا در زمان قید حیات‌شان املاک‌شان را میان فرزندان‌شان تقسیم کنند تا جوانان با خیال راحت شاغل شوند. خانواده خودم شروع کردم و پس از صحبت با پدرم، دو هکتار زمین گرفتیم و کشت درخت خرما را آغاز کردم.

**ایده شما مورد توجه و استقبال قرار گرفت؟**

بله. این کار مورد پسند جوانان و بزرگان روستا قرار گرفت و خوش‌شان آمد و باعث شد تا ۱۰-۱۵ جوان روستایی این

فکر را علمی کنند و مشغول کار در زمینه کشاورزی شوند. با مساعدت بنیاد علوی نزدیک ۴۰۰ تن مسمرا که توت و خرما بودند، میان نیازمندان توزیع کردم تا کشاورزی در روستا رونق یابد. همچنین کود شیمیایی برای زمین‌های کشاورزی روستا را با همکاری این نهاد توزیع کردم. جالب است حدود ۱۰ سال تمام کارهایم را داوطلبانه انجام می‌دادم و بعد از آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان امام جماعت به روستای مان معرفی شدم. الان متأهلم و پدر چهار فرزند هستم.

**چطور رشد تصمیم گرفتید در روستا به فعالیت بپردازید؟**

پس از بازگشت به «خوینس» و دیدن این همه محرومیت در روستا، احساس تکلیف کردم و علاوه بر امور دینی و تبلیغی، وارد حوزه‌های دیگری مثل اشتغال شدم، زیرا اعتقاد دارم «کار» اولین نیاز مردم است و باید در این زمینه کارهای بزرگی صورت گیرد. با این تفکر، فراتر از کارم پیش رفتم و با قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه برای آبادانی روستا همکاری‌هایی را آغاز کردم، سپس با ورود بنیاد علوی به شهرستان شادگان، به عنوان سفیر در منطقه معرفی شدم و در نهایت با همکاری بنیاد علوی کارها گسترده‌تر بشود.

**شما در زمینه اشتغال‌زایی برای جوانان وارد میدان شده‌اید، چه طرحی برای عملیاتی کردن ایده‌هایتان داشتید؟**

وقتی دیدم بیشتر جوانان به خاطر بیکاری به شهرها مهاجرت می‌کنند، به این فکر افتادم. مهم‌ترین دغدغه این بود که چرا جوانان در زمینه کشاورزی ورود نمی‌کنند و چه مواعی برای مشغول شدن جوانان به صنعت کشاورزی وجود دارد. در زمینه کشاورزی به ویژه در کاشت نخل، رسم بر این است که هر کس باید ملکی برای کشاورزی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جوانان ملکی ندارند، با پدران‌شان صحبت کردم تا در زمان قید حیات‌شان املاک‌شان را میان فرزندان‌شان تقسیم کنند تا جوانان با خیال راحت شاغل شوند. خانواده خودم شروع کردم و پس از صحبت با پدرم، دو هکتار زمین گرفتیم و کشت درخت خرما را آغاز کردم.

**ایده شما مورد توجه و استقبال قرار گرفت؟**

بله. این کار مورد پسند جوانان و بزرگان روستا قرار گرفت و خوش‌شان آمد و باعث شد تا ۱۰-۱۵ جوان روستایی این

فکر را علمی کنند و مشغول کار در زمینه کشاورزی شوند. با مساعدت بنیاد علوی نزدیک ۴۰۰ تن مسمرا که توت و خرما بودند، میان نیازمندان توزیع کردم تا کشاورزی در روستا رونق یابد. همچنین کود شیمیایی برای زمین‌های کشاورزی روستا را با همکاری این نهاد توزیع کردم. جالب است حدود ۱۰ سال تمام کارهایم را داوطلبانه انجام می‌دادم و بعد از آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان امام جماعت به روستای مان معرفی شدم. الان متأهلم و پدر چهار فرزند هستم.

**چطور رشد تصمیم گرفتید در روستا به فعالیت بپردازید؟**

پس از بازگشت به «خوینس» و دیدن این همه محرومیت در روستا، احساس تکلیف کردم و علاوه بر امور دینی و تبلیغی، وارد حوزه‌های دیگری مثل اشتغال شدم، زیرا اعتقاد دارم «کار» اولین نیاز مردم است و باید در این زمینه کارهای بزرگی صورت گیرد. با این تفکر، فراتر از کارم پیش رفتم و با قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه برای آبادانی روستا همکاری‌هایی را آغاز کردم، سپس با ورود بنیاد علوی به شهرستان شادگان، به عنوان سفیر در منطقه معرفی شدم و در نهایت با همکاری بنیاد علوی کارها گسترده‌تر بشود.

**شما در زمینه اشتغال‌زایی برای جوانان وارد میدان شده‌اید، چه طرحی برای عملیاتی کردن ایده‌هایتان داشتید؟**

وقتی دیدم بیشتر جوانان به خاطر بیکاری به شهرها مهاجرت می‌کنند، به این فکر افتادم. مهم‌ترین دغدغه این بود که چرا جوانان در زمینه کشاورزی ورود نمی‌کنند و چه مواعی برای مشغول شدن جوانان به صنعت کشاورزی وجود دارد. در زمینه کشاورزی به ویژه در کاشت نخل، رسم بر این است که هر کس باید ملکی برای کشاورزی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جوانان ملکی ندارند، با پدران‌شان صحبت کردم تا در زمان قید حیات‌شان املاک‌شان را میان فرزندان‌شان تقسیم کنند تا جوانان با خیال راحت شاغل شوند. خانواده خودم شروع کردم و پس از صحبت با پدرم، دو هکتار زمین گرفتیم و کشت درخت خرما را آغاز کردم.

**ایده شما مورد توجه و استقبال قرار گرفت؟**

بله. این کار مورد پسند جوانان و بزرگان روستا قرار گرفت و خوش‌شان آمد و باعث شد تا ۱۰-۱۵ جوان روستایی این

فکر را علمی کنند و مشغول کار در زمینه کشاورزی شوند. با مساعدت بنیاد علوی نزدیک ۴۰۰ تن مسمرا که توت و خرما بودند، میان نیازمندان توزیع کردم تا کشاورزی در روستا رونق یابد. همچنین کود شیمیایی برای زمین‌های کشاورزی روستا را با همکاری این نهاد توزیع کردم. جالب است حدود ۱۰ سال تمام کارهایم را داوطلبانه انجام می‌دادم و بعد از آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان امام جماعت به روستای مان معرفی شدم. الان متأهلم و پدر چهار فرزند هستم.

**چطور رشد تصمیم گرفتید در روستا به فعالیت بپردازید؟**

پس از بازگشت به «خوینس» و دیدن این همه محرومیت در روستا، احساس تکلیف کردم و علاوه بر امور دینی و تبلیغی، وارد حوزه‌های دیگری مثل اشتغال شدم، زیرا اعتقاد دارم «کار» اولین نیاز مردم است و باید در این زمینه کارهای بزرگی صورت گیرد. با این تفکر، فراتر از کارم پیش رفتم و با قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه برای آبادانی روستا همکاری‌هایی را آغاز کردم، سپس با ورود بنیاد علوی به شهرستان شادگان، به عنوان سفیر در منطقه معرفی شدم و در نهایت با همکاری بنیاد علوی کارها گسترده‌تر بشود.

**شما در زمینه اشتغال‌زایی برای جوانان وارد میدان شده‌اید، چه طرحی برای عملیاتی کردن ایده‌هایتان داشتید؟**

وقتی دیدم بیشتر جوانان به خاطر بیکاری به شهرها مهاجرت می‌کنند، به این فکر افتادم. مهم‌ترین دغدغه این بود که چرا جوانان در زمینه کشاورزی ورود نمی‌کنند و چه مواعی برای مشغول شدن جوانان به صنعت کشاورزی وجود دارد. در زمینه کشاورزی به ویژه در کاشت نخل، رسم بر این است که هر کس باید ملکی برای کشاورزی داشته باشد و با توجه به اینکه بیشتر جوانان ملکی ندارند، با پدران‌شان صحبت کردم تا در زمان قید حیات‌شان املاک‌شان را میان فرزندان‌شان تقسیم کنند تا جوانان با خیال راحت شاغل شوند. خانواده خودم شروع کردم و پس از صحبت با پدرم، دو هکتار زمین گرفتیم و کشت درخت خرما را آغاز کردم.

**ایده شما مورد توجه و استقبال قرار گرفت؟**

بله. این کار مورد پسند جوانان و بزرگان روستا قرار گرفت و خوش‌شان آمد و باعث شد تا ۱۰-۱۵ جوان روستایی این

### گفت‌وگو



رنگ آمیزی و بیساز کلاس‌های درس



ساخت خانه برای محرومان و نیازمندان



کمک به کشاورزان برای راحتی انتقال آب



درمان رایگان خانواده‌های کم‌برخوردار